



Woman in Culture and Arts

Analysis and Review of the Newspapers Neday-e Iran and Neday-e Irani, the First Successful Experience of Women Journalism in Shiraz

Ziba Ghafouri¹ 

1. PhD in History-Islamic Iran, University of Shiraz, Shiraz, Iran. E-mail: ghafory.ziba@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 25 Desember 2023 Received in revised form: 16 April 2024 Accepted: 21 July 2024 Published online: 1 October 2024</p> <p>Keywords: <i>Neday-e Iran, Neday-e Irani, Nosrat-al-Moluk Kashmirizadeh, Shiraz, Women Journalists.</i></p>	<p>In the constitutional era, Iranian women gradually increasingly entered the media. First, the women of the capital city entered this arena, and shortly thereafter, the women of the cities also entered. They quickly achieved success in this field, publishing significant publications and engaging in significant activities. The objective of this investigation is to determine the manner in which the “Neday-e Iran” and “Neday-e Irani” periodicals analyzed political and social matters in Iran during the years 1947 to 1952. The political and social issues of the 1940s and 1950s have been critically examined by the newspapers Neday-e Iran and Neday-e Irani, which were published in Shiraz by Mrs. Nusrat Al-Mouluk Kashmirizadeh, have taken a critical look at the political and social issues of their time. In the field of political affairs, these newspapers published sharp articles and analyses that criticized the performance of the statesmen and firmly opposed the underperforming and xenophobic statesmen. Conversely, these newspapers also monitored and mirrored the social issues and challenges of Shiraz city. They sought to resolve these issues by imposing demands on the administrators and officials of Shiraz. These two newspapers also addressed issues concerning women, emphasizing the necessity of societal change and transformation to enhance the status of women. Archival, library, and field methods (interviews) are employed to gather information in the current study. The research methodology is historical and descriptive, with an analytical and analytical approach.</p>
<p>Cite this article: Ghafouri, Z. (2024). Analysis and Review of the Newspapers Neday-e Iran and Neday-e Irani, the First Successful Experience of Women Journalism in Shiraz. <i>Woman in Culture and Art</i>, 16(3), 399-416. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.370171.1999</p>	



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.370171.1999>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

تحلیل و بررسی روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی، نخستین تجربه موفق روزنامه‌نگاری زنان

در شیراز

زیبا غفوری^۱ ۱. دکتری تاریخ ایران پس از اسلام، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: ghafori.ziba@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در عصر مشروطه به تدریج زنان ایرانی به عرصه مطبوعات وارد شدند. ابتدا زنان پایتخت قدم به این عرصه نهادند. اندکی بعد زنان شهرستان‌ها نیز به تاسی از آن‌ها به این عرصه وارد شدند و به‌زودی موفق شدند در این زمینه فعالیت‌های قابل توجهی انجام دهند و نشریات مهمی را منتشر کنند. پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که نشریات «ندای ایران» و «ندای ایرانی» در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱ در ایران به مسائل سیاسی و اجتماعی چگونه نگریسته‌اند. براساس یافته‌ها، روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی که در دهه ۱۳۲۰ در شهر شیراز توسط نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده منتشر شدند، نگاهی انتقادی به مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود داشته‌اند. این روزنامه‌ها در زمینه امور سیاسی، با مقالات و تحلیل‌های تند و تیز انتقاداتی به عملکرد دولتمردان مطرح می‌کردند و به‌شدت با دولتمردان کم‌کار و بیگانه‌پرست مخالفت می‌ورزیدند. از سوی دیگر این روزنامه‌ها مسائل و معضلات اجتماعی شهر شیراز را نیز پیگیری و منعکس می‌کردند و با مطالبه از مدیران و مسئولان شیراز، خواهان رسیدگی به مشکلات شهر خویش بودند. مسائل زنان از دیگر موضوعات مدنظر این دو روزنامه بود و با به‌تصویرکشیدن دغدغه‌های زنان، بر ضرورت تغییر و تحول در جامعه برای بهبود وضعیت زنان تأکید داشتند. روش تحقیق در پژوهش حاضر مبتنی بر روش تاریخی و رویکرد توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به روش آرشیوی، کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه) است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
زنان روزنامه‌نگار، شیراز، ندای ایران، ندای ایرانی، نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده.	

استناد: غفوری، زیبا (۱۴۰۳). تحلیل و بررسی روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی، نخستین تجربه موفق روزنامه‌نگاری زنان در شیراز. زن در فرهنگ و هنر، ۱۶ (۳)،

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.370171.1999>. ۴۱۶-۳۹۹DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.370171.1999>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

زنان در عصر پهلوی به واسطه سیاست‌های حکومت، فرصت بیشتری برای حضور در اجتماع یافتند. اگرچه در سال‌های آغازین حکومت پهلوی تلاش‌های زنان برای ورود به اجتماع به‌ویژه در شهرستان‌ها با برخی سخت‌گیری‌ها و مخالفت‌ها روبه‌رو شد، به تدریج با حمایت‌های دولت، فضا برای ورود زنان به اجتماع بازتر شد؛ بنابراین نه تنها در پایتخت، بلکه در شهرستان‌ها نیز زنان به عرصه اجتماع وارد شدند و روزنامه‌ها و انجمن‌هایی را تأسیس کردند. اگرچه تا پیش از دهه ۱۳۲۰ نام زنان بسیاری در میان اسناد مطبوعات فارس دیده می‌شود، اغلب فقط امتیاز روزنامه به نام آن‌ها کسب می‌شد و این زنان هیچ نقشی در عرصه مورد نظر نداشتند. البته نخستین نشریه زنان در ایالت فارس در سال ۱۳۰۹ در شهر بوشهر منتشر شد. سپس در مرداد ۱۳۱۰ زنددخت در شیراز اقدام به تأسیس روزنامه دختران ایران کرد که به سبب مخالفت افکار عمومی به‌زودی از شیراز به تهران نقل مکان و روزنامه خود را در آن شهر منتشر کرد، اما فقط هفت شماره از آن منتشر شد؛ بنابراین تا دهه ۱۳۲۰ هیچ تجربه موفقی از روزنامه‌نگاری زنان در شهر شیراز وجود نداشت.

روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی نخستین تجربه موفق روزنامه‌نگاری زنان در شهر شیراز بودند. از آنجا که نخستین بار یک زن در شهر شیراز به‌صورت مستقل اقدام به تأسیس روزنامه کرد و موفق شد در یک بازه زمانی پنج‌ساله روزنامه را بدون وقفه و با مدیریت مستقیم خود اداره کند و همچنین از آنجا که نشریات و رسانه‌ها نقش بسزایی در تأثیرگذاری بر ذهنیت جمعی دارند و می‌توانند شکل‌دهنده نگرش‌ها، ارزش‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه باشند، پرداختن به عملکرد این روزنامه‌ها دارای اهمیت است. در این تحقیق قصد داریم به بررسی رویکردهای سیاسی و اجتماعی در دو نشریه «ندای ایران» و «ندای ایرانی» بپردازیم. با توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه، بحث در مورد رویکردهای اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی در نشریات ایرانی، به‌ویژه نشریات مذکور به‌عنوان نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان در شهر شیراز، مسئله تحقیق حاضر است. در این راستا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که نشریات ندای ایران و ندای ایرانی در سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱ در ایران به مسائل اجتماعی، سیاسی چگونه نگریده‌اند.

هدف این پژوهش بررسی نحوه نگرش روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی به مسائل اجتماعی، سیاسی به‌عنوان نخستین تجربه موفق روزنامه‌نگاری زنان در شهر شیراز عصر پهلوی است. علاوه‌براین، تحلیل رویکردهای نشریات در قبال مسائل اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌تواند به درک بهتر اینکه چگونه رسانه‌ها بر ذهنیت جمعی مردم تأثیر دارند کمک کند. همچنین به‌دلیل

آنکه تاکنون روزنامه‌های مذکور و عملکرد کشمیری‌زاده به‌عنوان یک زن روزنامه‌نگار مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است، انجام این پژوهش ضرورت دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در باب روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. اگرچه در برخی منابع مطالبی ذکر شده، در هیچ‌یک از این آثار روزنامه‌های مذکور بررسی نشده‌اند؛ برای مثال رومی در کتاب *زنان روزنامه‌نگار شیراز* در باب زندگی‌نامه کشمیری‌زاده سخن گفت و در باب روزنامه‌های او به چند خط اشاره مختصر و محدود بسنده کرد. حسن امداد نیز در کتاب *انجمن‌های ادبی شیراز* از زندگی کشمیری‌زاده و فعالیت‌های علمی و ادبی وی سخن گفت. مدرس صادقی در کتاب *شیراز امروز* نسبت به سایر منابع اطلاعات بیشتری از زندگی و دوران حیات کشمیری‌زاده و همچنین فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او ارائه کرد. اما تمرکز این اثر نیز بر روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی نیست؛ بنابراین وجه متمایز پژوهش حاضر با آثار پیشین، تمرکز بر عملکرد روزنامه‌های او و تحلیل و بررسی عملکرد سیاسی-اجتماعی آنها است. به‌طور کلی در باب عملکرد مطبوعاتی کشمیری‌زاده اطلاعات چندانی وجود ندارد (جز اصل روزنامه او که در کتابخانه آیت‌الله دستغیب شیراز موجود است)؛ بنابراین نگارنده در جهت کسب اطلاعات در باب کشمیری‌زاده و میزان فعالیت او در روزنامه‌های مذکور، به مصاحبه و گفت‌وگو با بستگان او، افرادی که دوران حیات وی را درک کرده و نیز افرادی که در زمینه فعالیت‌های او اطلاعات داشتند، پرداخت و از این طریق موفق به کسب اطلاعاتی منحصر به فرد در این زمینه شد.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر مبتنی بر روش تاریخی و رویکرد توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات آرشیوی و کتابخانه‌ای است. روزنامه‌ها، منابع، کتاب‌ها و مقالات مرتبط در کتابخانه‌ها، مراکز و پایگاه‌های اطلاعاتی مطالعه و بررسی و سپس با فیش‌برداری اطلاعات لازم گردآوری شد. علاوه بر این به دلیل کمبود منابع، پژوهش میدانی و مصاحبه با افراد مختلف نیز که در زمینه موضوع پژوهش اطلاعات داشتند در رأس کار قرار داشت.

۴. یافته‌های پژوهشی

۴-۱. نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده

کشمیری‌زاده در سال ۱۳۰۵ شمسی در شیراز متولد شد (Rumi, 2022: 64). وی فرزند دکتر جمال‌الدین، پزشک روشنفکر و مبارز بود. فارسنامه ناصری در باب خاندان وی می‌نویسد:

«حاجی درویش حسن نقیب و خلف‌الصدقش... ادیب حاجی میرزا احمد نقیب [نقیب‌الممالک] ولادتش در سال ۱۲۳۸ اتفاق افتاد و وفات حاجی درویش حسن در سال ۱۲۶۰، وفات حاجی میرزا احمد در سال ۱۳۰۲ در اصفهان واقع گردید... از حاجی میرزا احمد نقیب، دو نفر پسر باقی است: میرزا مهدی [که] «ناظم» تخلص [می‌کند]، و حاجی میرزا علی طیب... [که] میرزا مهدی به لقب و منصب نقابت برقرار است و خطبه و قصیده عید و وقت سلام ایالت فارس را می‌خواند...» (Hosseini Fasaei, 1988: 957).

سیروس رومی به نقل از کشمیری‌زاده اظهار کرد میرزا احمد نقیب‌الممالک شاعر معروف دوران ناصرالدین‌شاه بود؛ وی در محفل ناصرالدین‌شاه، مجالس شعرخوانی برپا می‌داشت (Interview with Cyrus Rumi, dated 2012/5/22; Emdad, 2009: 459). نقیب‌الممالک علاوه بر منصب نقابت، طیب دربار نیز بود. سپس در عصر مشروطه در جرگه آزادی‌خواهان قرار گرفت (Modarres Sadeghi, 1952: 116). میرزا مهدی بن میرزا احمد، پسری به نام جمال داشت. وی به‌منظور فراگرفتن طبابت به کشمیر رفت و در آنجا با زنی اهل کشمیر ازدواج کرد و نصرت‌الملوک از وی متولد شد^۲ (Interview with Cyrus Rumi, dated 2012/5/22). کشمیری‌زاده تحصیلات ابتدایی را در شیراز گذراند و از محضر بزرگانی مانند محمدحسین حیات مدیر «روزنامه حیات» و شیخ عبدالکریم سعادت، بانی مدرسه سعادت بوشهر بهره‌مند شد (Interview with Zahra Saadat, dated 2012/6/14; Rumi, 2022: 64). او در سال ۱۳۲۰ از دانشکده ادبیات دانشسرای عالی

۱. در ۲۷ آذر ۱۳۲۳ در شهر شیراز متولد شد. او با روزنامه‌های مختلف عصر پهلوی در تهران و شیراز همکاری داشت. از سال ۱۳۶۳ به حوزه پژوهش مطبوعات وارد شد و تاکنون ۱۰ عنوان کتاب در این زمینه چاپ کرده است. رومی در تألیف کتاب‌های خود در باب مطبوعات فارس، با کشمیری‌زاده به‌طور مکرر مصاحبه و دیدار داشت. در تاریخ‌های ۱۳۹۰/۱۰/۷ و ۱۳۹۱/۵/۲۲ با او دیدار و گفت‌وگویی به عمل آمد.

۲. در حال حاضر نام خانوادگی اعقاب میرزا احمد نقیب و دکتر جمال پدر کشمیری‌زاده، نقیبی و جمالپور است.

۳. دختر شیخ عبدالکریم سعادت، بانی مدرسه سعادت بوشهر در سال ۱۳۷۸ است. زهرا سعادت (متولد ۱۳۲۲) از زنان فعال در امر آموزش و پرورش در عصر پهلوی است. او مدرسه شهذخت (در خیابان سمیه کنونی شیراز) را در عصر پهلوی بنیاد نهاد. او از خیرین شیراز و بانی بنیاد فرهنگی زهرا سعادت و بیمارستان امیر است. نگارنده در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۵ در منزل او با وی مصاحبه‌ای انجام داد.

دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی به دریافت دانشنامه نائل آمد. او یکی از نخستین زنان شیراز بود که موفق شد در سطوح عالی تحصیل کند و موفق به دریافت مدرک لیسانس شود (Interview with Nasser Emami^۱, dated 2012/5/23).

کشمیری زاده بعد از بازگشت از تهران به تدریس در مدارس دخترانه و پسرانه شیراز مشغول شد. بسیاری از بزرگان امروز، مانند مرحوم دکتر عبدالکریم وصال از شاگردان کشمیری زاده بوده‌اند (Interview with Abdul Karim Vasal^۲, dated 2012/5/31; Interview with Zahra (Saadat, dated 2012/6/14). نصرت‌الملوک بعد از ازدواج با محمدرضا کشمیری زاده نام فامیل وی را انتخاب کرد و به کشمیری زاده معروف شد (Interview with Abdul Rahim Kashmiri^۳, dated 2012/6/3). او زنی روشنفکر، فعال، شجاع و منتقد بود و در زمینه امور اجتماعی، فرهنگی و تاریخی فعالیت گسترده‌ای داشت (Interview with Abdul Rahim Kashmiri, dated 2012/6/3; Fars National Library and Document Center, retrieval ID 1755-350, 197; Interview with Nasser Emami, dated 2012/5/23). کشمیری زاده به شدت با ظلم، استبداد و استعمار مخالف بود و همواره با آن سر ستیز داشت. او در این باب برنامه‌هایی داشت، از جمله در این جهت طرحی در ۱۶ ماده تهیه کرد و به وزارت فرهنگ و شورای عالی فرهنگ فرستاد که مورد توجه و مطالعه و بررسی قرار گرفت (Modarres Sadeghi, 1952: 117).

کشمیری زاده علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، در زمینه شعر و ادبیات و ترجمه نیز ید طولایی داشت. او در نشریات مطرح آن زمان در شیراز مثل پارس و بهار ایران، مقالات متعددی به چاپ رساند. علاوه بر این او سه کتاب از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه کرد (Emdad, 2009: 460; Modarres Sadeghi, 1952: 217). کشمیری زاده از مخالفان سران قشقایی‌ها در فارس بود و به ستیز با آنان پرداخت و در سال ۱۳۲۶ با انتشار روزنامه ندای ایران راه خود را ادامه داد. او در مسیر

۱. متولد ۱۳۱۷ در شیراز است. امامی از شاعران برجسته فارس است و تاکنون دو مجموعه شعر به نام‌های *صدای پای مهتاب* در سال ۱۳۸۴ و *یک دریا مروراید* در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است. او در نوجوانی به واسطه جلسات شعر که در منزل کشمیری زاده برگزار می‌شد، از نزدیک با او ارتباط داشت. مصاحبه با امامی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۳ در دفتر کار او در بیمارستان کوثر (مدیر بخش فرهنگی بیمارستان کوثر) صورت گرفت.

۲. از نوادگان شاعر بزرگ شیراز، وصال شیرازی است. در سال ۱۳۱۲ در شیراز متولد شد. او از شاگردان کشمیری زاده بود و در باب او اطلاعاتی در اختیار نگارنده قرار داد. در تاریخ‌های ۱۳۹۱/۳/۱۱، ۱۳۹۱/۳/۲۳ و ۱۳۹۱/۴/۵ در منزلش با او مصاحبه شد.

۳. کشمیری از بستگان محمدرضا کشمیری زاده، همسر نصرت‌الملوک کشمیری زاده است. او متولد سال ۱۳۲۵ است. در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۴ در منزل او مصاحبه‌ای صورت گرفت و اطلاعات مفیدی در باب سال‌های پایانی زندگی بانو کشمیری زاده در اختیار نگارنده قرار داد.

۴. متأسفانه اطلاعاتی در باب این برنامه و نتیجه آن به دست نیامد.

اهدافش راسخ و ثابت قدم بود. تمام افرادی که وی را می‌شناختند، او را فردی اصلاح‌طلب معرفی می‌کنند که همواره با دولتمردان و نمایندگان کم‌کار و بیگانه‌پرست سر ستیز داشت و مخالفت خود را بدون هیچ ترس و واهمه‌ای طی مقالاتی تند و آتشین ابراز می‌کرد. علاوه‌براین کشمیری‌زاده با نفوذ بیگانگان و دست‌اندازی آن‌ها بر منابع کشور به‌شدت خصومت می‌ورزید. از دوره پانزدهم مجلس شورای ملی به حمایت از مصدق و همفکرانش بر سر مسئله نفت پرداخت و در حمایت از او ثابت قدم ماند. با اینکه خطرات زیادی متوجه وی بود، دست از مبارزه برنداشت و در مقابل نصایح دوستان که او را از این راه بر حذر می‌داشتند و به خطرات و عواقب آن هشدار می‌دادند، گفت: «مردی و قوی، زنی و اراده‌ای» و دست از تلاش نکشید (Modarres Sadeghi, 1952: 117).

کشمیری‌زاده فرزندی نداشت. او در سال‌های پایانی عمر گرفتار بیماری بود. مدتی در اثر بیماری و بروز تصادف خانه‌نشین شد (Rumi, 2022: 65) و در نهایت پس از اینکه حدود یک سال در اغما به سر برد، در ۱۸ آبان سال ۱۳۸۲ دار فانی را وداع گفت (Interview with Abdul Rahim, dated 2012/6/3).

۴-۲. روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی

در سال ۱۳۲۶ نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده تقاضای دریافت مجوز نشریه‌ای به نام ندای ایران را کرد و در همان سال مجوز مذکور برای نشریه‌ای علمی، اجتماعی، سیاسی، فکاهی، ادبی صادر شد (Roustei & Salami, 1997: 984). نخستین شماره ندای ایران در تاریخ پنج‌شنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۶ در شیراز منتشر شد. با اینکه امتیاز ندای ایران به‌عنوان روزنامه کسب شده بود، مانند سایر نشریات آن زمان، به‌صورت هفتگی و به‌طور معمول در روزهای چهارشنبه یا یکشنبه، در چهار صفحه منتشر می‌شد. کشمیری‌زاده روزنامه خود را در جهت مبارزه با بی‌نظمی، غارتگری و مقابله با بی‌قانونی منتشر کرد. وی در نخستین شماره ندای ایران، طی مقاله‌ای با عنوان «من چرا قلم به دست گرفتم» علت انتشار روزنامه را مبارزه و مقابله با ملوک‌الطوایفی، ایل قشقایی و ایللیاتی‌هایی که به غارت و کشت و کشتار در سطح کشور پرداخته‌اند، عنوان کرد^۱:

۱. در این برهه میان قشقایی‌ها و حکومت پهلوی ضدیت شدیدی وجود داشت. به‌دلیل دشمنی صولت‌الدوله با رضاشاه و سپس قتل وی در زندان رضاشاه، اختلافی عمیق میان قشقایی و پهلوی شکل گرفت. پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، سران قشقایی که در تهران زیر نظر دولت قرار داشتند، به فارس بازگشتند و به بازسازی ایل و پیگیری دشمنی‌های سابق پرداختند. ضدیت میان خاندان قوام‌الملک، نیروهای دولت و قشقایی‌ها در دهه ۱۳۲۰ به بروز ناآرامی‌ها و مشکلات فراوانی در فارس و به‌ویژه شهر شیراز انجامید.

«آیا سزاوار یک ملت زنده است که خود را مغلول کرده و دانسته سقوط نماید، ما باید متشکل شویم و قبل از هر چیز بالای عظیم نیلی [ایلی] را از خود دور کرده و به این مغول زادگان، به این چند بادیه‌نشین که برادران عشایر ما را زیر یوغ ملوک‌الطوایفی برای محو نیروی ارگانیزه کشور مجهز نموده... رشد اجتماعی خود را ثابت نماییم» (Neday Iran, first year, No. 1, 4 December 1947: 1).

در تمامی شماره‌ها، سرمقاله را کشمیری‌زاده می‌نوشت. وی تمام مراحل تدوین، تحریر، چاپ و انتشار نشریه را زیر نظر داشت. معاصران او نیز به حضور فعالش در ندای ایران اذعان دارند. افرادی نیز که در جامعه مطبوعاتی فارس در عصر پهلوی فعالیت داشته‌اند نصرت‌الملوک را به‌عنوان مسئول ندای ایران می‌شناختند و در محافل و مجامع مطبوعاتی و اجتماعی، وی را مدیر نشریه ندای ایران معرفی می‌کردند. هم‌اکنون نیز هنگامی که از بزرگان و سالمندان شیراز در باب فعالیت‌های مطبوعاتی بانوان در عصر پهلوی سؤال می‌شود، همه آن‌ها نخستین نامی را که بر زبان می‌آورند، کشمیری‌زاده است (Interview with Abdul Ali Dastghib^۱, dated 2012/5/23).

روزنامه ندای ایران تا سال ۱۳۲۷ فعالیت داشت، اما در این سال به‌واسطه قانون جدید مطبوعات تعطیل شد. براساس قانون جدید مطبوعات که در اسفند ۱۳۲۷ تصویب شده بود^۲، کارمندان دولت از داشتن نشریه و روزنامه منع شدند. در این راستا حق انتشار روزنامه از کشمیری‌زاده که آموزگار بود، سلب شد و ندای ایران در محاق تعطیلی افتاد. حدود یک ماه پس از تعطیلی ندای ایران، روزنامه مذکور از «ندای ایران» به «ندای ایرانی» تغییر نام داد و با صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی محمدرضا کشمیری‌زاده، همسر کشمیری‌زاده به حیات خود ادامه داد. شماره اول ندای ایرانی طی مقاله‌ای با عنوان «مدتی این مثنوی تعطیل شد»، علت تعطیلی ندای ایران را قانون مطبوعات، مبنی بر منع انتشار روزنامه توسط کارمندان دولت عنوان کرد:

«روزنامه ندای ایران که به شهادت دانشمندان و توده حقیقی ملت در مدت دو سال به مدیریت بانوی دانشمند بانو نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده دبیر فرهنگ استان هفتم داد سخن می‌داد و پیوسته به طرفداری از حق و عدالت مبارزات دامن‌داری را شروع و از نشر حقایق خودداری نمی‌کرد، به پاس

۱. او شاعر، مترجم و منتقد برجسته اهل شیراز است. سید عبدالعلی دستغیب در سال ۱۳۱۰ در شیراز به دنیا آمد. او از سال ۱۳۲۶ در روزنامه‌های مختلف شیراز و تهران شروع به فعالیت کرد. دستغیب تاکنون نزدیک به ۴۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. به‌دلیل فعالیت در عرصه مطبوعات شیراز در دهه ۱۳۲۰، از فعالیت‌های کشمیری‌زاده مطلع است. مصاحبه با نامبرده در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۱ در منزل او صورت گرفت.

۲. براساس این قانون کسانی که از خزانه دولت یا بانک‌ها یا بنگاه‌های مستقل حقوق می‌گیرند، اجازه داشتن روزنامه یا سمت مدیر یا سردبیر روزنامه یا نشریه را ندارند (Ansari Lari, 1996: 85).

احترام قانون مطبوعات، چون بانوی دانشمند نامبرده کارمند دولت و خادم کشور بود، روزنامه ندای ایران را تعطیل کرد. اینک ما به پیروی از مندرجات ندای ایران مجدداً قلم به دست گرفتیم و... با همان سبک و روش ادامه به گفتار خویش داده...» (Neday Irani, first year, No. 2, 31 July, 1949: 1).

نشان نشریه ندای ایرانی دقیقاً همان نشان ندای ایران بود و شناسنامه نیز به همان صورت ذکر شد. فقط نام مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز تغییر کرد و به نام محمدرضا کشمیری‌زاده چاپ شد. حتی مقالاتی که به صورت سلسله‌وار در ندای ایران چاپ می‌شد، به همان ترتیب در ندای ایرانی ادامه یافت؛ برای مثال ابراهیم خلیلی در آخرین شماره ندای ایران و شماره‌های قبل از آن، مطلبی با عنوان «از کتاب شش سال در هند» نوشت که در ندای ایرانی ادامه این مقاله، دقیقاً با همان عنوان چاپ شده است و نیز داستان طنز اجتماعی-سیاسی قهوه‌خانه آهو به همین ترتیب است (Neday Irani, Vol. 1, No 1, 23 July, 1949: 1; Neday Iran, Vol. 2, No. 75, 26 June, 1949: 1).

ندای ایرانی مانند ندای ایران به حوادث سیاسی و اجتماعی پرداخت و مسائلی نظیر جدایی بحرین، ناآرامی‌های قشقایی‌ها، جبهه ملی، مصدق و... را در نظر داشت. با آغاز انتشار ندای ایرانی، کشمیری‌زاده فعالیت خود را در این نشریه نیز ادامه داد. تقریباً تمامی سرمقاله‌های ندای ایرانی به قلم وی نگاشته شد و همچنان مسائل سیاسی روز را مورد بحث و بررسی قرار می‌داد. آخرین شماره ندای ایرانی در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۳۱ منتشر شد. متأسفانه در منابع علت تعطیلی این نشریه ذکر نشده است. ندای ایران و ندای ایرانی که حدود پنج سال در دنیای مطبوعات فارس خوش درخشیده بودند، با کارنامه‌ای سفید (در جهت مقابله با عوامل ظلم و جور بر مردم بی‌پناه)، در فروردین ۱۳۳۱ تعطیل شدند. در حال حاضر آرشیو کامل ندای ایران و ندای ایرانی در کتابخانه شهید آیت‌الله دستغیب در شیراز موجود است.

۴-۲-۱. رویکرد سیاسی ندای ایران و ندای ایرانی

ندای ایران روزنامه‌ای سیاسی-اجتماعی بود. به طور ثابت ستون مفسر سیاسی در صفحه نخست تمام شماره‌ها دیده می‌شد و مسائل سیاسی روز، عملکرد دولتمردان و اموری از این قبیل، در این ستون دنبال شد.

چنان که ذکر شد، ندای ایران نشریه‌ای سیاسی بود و علاوه بر انعکاس حوادث اجتماعی، اقتصادی و مسائل روز ایران و جهان، در باب حوادث و وقایع آذربایجان، غائله جنوب و ترک‌تازی‌های عشایر در شهرهای مختلف استان فارس در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ ش قلم زد؛

صراحتاً علیه این اقدامات و اعمال آن‌ها موضع گرفت و نیز در مخالفت با جداسازی آذربایجان و جنبش‌های جدایی‌طلبانه و طرفداری از حفظ تمامیت ارضی کشور و حمایت از سیاست‌های دولت مرکزی در این جهت و همچنین علیه خوانین و افرادی مانند ناصرخان قشقایی مقالاتی به چاپ رساند.

کشمیری‌زاده با دولتمردان کم‌کار و بیگانه‌پرست نیز مخالف بود. به عملکرد آن‌ها انتقاد داشت و بسیاری از سرمقاله‌های ندای ایران را به این امر اختصاص داده بود. او مسائل سیاسی و عملکرد دولتمردان را دنبال می‌کرد و با قلمی تیز و برنده به انتقاد از آنان می‌پرداخت و مردم را به اشتباهات آن‌ها آگاه می‌کرد. ندای ایران مشی منتقدانه در برابر این عناصر پیشه کرده بود و به مسائلی نظیر ضعف مجلس و نمایندگان و دخالت بیگانگان در کشور به شدت اعتراض می‌کرد. او از طرفداران سرسخت مصدق و از حامیان نهضت ملی شدن نفت بود و با چاپ مقالات متعدد در این باب، حمایت خود را از او و سیاست‌هایش به اثبات رساند (Neday Irani, Vol. 3, No. 81, 6 May 1951: 1).
کشمیری‌زاده در مقاله «به شرکت نفت بگویید: ما تا حال عبث اشک ریختیم، بعد از این خون خواهیم ریخت»، با الگو قراردادن امام حسین (ع)، ملت ایران را به آزادی و عدالت‌خواهی فراخواند. وی مردم را به قیام در برابر ظلم و ستم اجنبی و استعمار آنان دعوت می‌کرد و برای دریافت حقوق پایمال‌شده ملت فریاد برمی‌آورد. مقاله مذکور در محافل سیاسی داخلی و حتی خارج از ایران انعکاس یافت (Modarres Sadeghi, 1952: 117). در بخشی از مقاله نوشت:

«...حسین (ع) به ما درس داد که وظیفه یک انسان زنده در برابر قلدری و زور چیست و دفاع از حقوق و شرافت چقدر ارزش دارد. این قیام وظیفه‌اش این بود که در برابر هر دستگاه جابر و ستمگری که تخلفی به حقوق جامعه کرد باید همان جماعت بایستند و تا او را واژگون نسازد از پای ننشیند. بلی دیگر دوران اشک و زبونی سر شده و اکنون نوبت قیام و اراده است و این دو اصل خون می‌خواهد و ما هم مضایقه نمی‌کنیم. برخیز تا به حسین اقتدا کنیم...» (Neday Irani, Vol. 2, No. 6, 2 November, 1950: 1).

علاوه بر این کشمیری‌زاده مقالات متعددی در انتقاد از دولتمردان و نمایندگان کم‌کار، بیگانه‌پرست و سودجو در ندای ایرانی منتشر کرد. او در شماره ۳۴ ندای ایرانی نوشت:
«هفته ماه دولت ساعد در مراحل مختلف بازی کرد و برنامه داد. در ماه پانزدهم سر جنبانید و قول داد و تصدیق کرد شاید در انتخابات منویات یک دولت کامل‌العیار دموکراسی را اجرا سازد و

فی‌نفسه^۱ نخواست رفرمی در اوضاع عمومی مملکت پدید آورد... با اینکه فرصت یافت در جمیع جهات سیاست خود را محک بزند، ولی فلزهای ناجور و نامتناسبی که قاطی شده بود، مایه را سیاه کردند و فهمید که هنوز تجربه لازم را ندارد. او رفت و نشست که اعمال مجربی را دوباره در انزوا بیاموزد...» (Neday Irani, Vol. 1, No. 24, 4 April, 1950: 1).

از دیگر مطالب ثابت دو نشریه ندای ایران و ندای ایرانی، ارائه و نقد و بررسی حوادث سیاسی جهان و تصمیم‌گیری‌های ملل بزرگ در باب وقایع مختلف بود. این مطلب که ستونی در صفحه اول را به خود اختصاص داده بود، توسط «مفسر سیاسی ندای ایران» و البته بعداً با عنوان «مفسر سیاسی ندای ایرانی» نوشته می‌شد. در این ستون مسائل، اخبار و حوادث سیاسی روز جهان بلوک شرق و غرب، ملل باختر، ملل خاور، ممالک عرب و حاشیه خلیج فارس و نیز ملل خاورمیانه دنبال می‌شد.

۲-۲-۲. رویکرد اجتماعی ندای ایران و ندای ایرانی

همان‌گونه که ذکر شد، علت اصلی انتشار روزنامه ندای ایران، ضدیت کشمیری با قشقایها، ناصر خان قشقای و عملکرد آن‌ها در فارس بود. او مبارزه خود را از سال ۱۳۲۵ با انتشار روزنامه آغاز کرد و مقالات فراوانی در دو روزنامه مذکور به قلم کشمیری‌زاده در این باب دیده می‌شود:

«... خدایا کی شر این خوانین خونخوار و سفاک از سر ما فارسین بیچاره دور می‌گردد. همه از دشمنان خارجی ناراحت‌اند و شکوه و شکایت دارند، ولی ما باید از وجود این درد آشنا رنج ببریم...» (Neday Irani, Vol. 3, No. 86, 13 June, 1951: 1 & 4).

یکی از ستون‌های ثابت صفحه نخست ندای ایران و ندای ایرانی، به مطلب سلسله‌واری با عنوان «قهوه‌خانه آهو» اختصاص داشت. این ستون که از نخستین شماره‌های ندای ایران آغاز و تا آخرین شماره‌های ندای ایرانی ادامه یافت، به قلم محمدرضا کشمیری‌زاده نگاشته می‌شد. در این ستون که در فضای قهوه‌خانه‌ای به نام آهو رقم می‌خورد، ماجرای اهل قهوه‌خانه و فردی را ترسیم می‌کند که با هیبت خاص مرشدها با عصا و تسبیحی در دست، به بذله‌گویی و مزاح می‌پردازد و پرده از چهره ریاکار برمی‌دارد. این مرشد کهنه‌کار همه‌جا را دیده و همه‌کس را آن‌طور که هست خوب می‌شناسد و شاید بتوانیم به سبک ادبیات امروز، مرشد را شخص سوم این داستان بنامیم (Modarres Sadeghi, 1952: 147).

قهوه‌خانه آهو که قسمت فکاهی روزنامه ندای ایران و ندای ایرانی بود، یکی از مهم‌ترین ستون‌های این دو نشریه به‌شمار می‌رفت. در این ستون نویسنده، قشقایها و زورگویی‌ها و

خودسری‌های آن‌ها را نکوهش می‌کند؛ برای مثال در یکی از شماره‌ها در باب تلفات و آسیب‌هایی که ایلات در هنگام کوچ‌های سالانه در مزارع کشاورزی به بار می‌آورند می‌نویسد:

«مردم فارس در سال دو مرتبه به شدیدترین وضعی دچار و گرفتار سیل حوادث‌اند. یکی موقع رفتن احشام به سرحد [سردسیر] و یکی موقع مراجعت احشام به گرمسیر. در این دو فصل، خانه‌ها ویران، محصول مزارع زیر دست و پای ستوران [نابود می‌شود]، آسایش و رفت‌وآمد بین دهات به کلی ممنوع، جاده‌ها از امنیت ساقط، عبور و مرور قوافل به واسطه دستبرد سارقین ترک متروک، جوانان بی‌گناه رعایا به دلیل تصادم با نیل [ایل] و عشیره مقتول، سه ماه نیل [ایل] و احشام در حال رفتن به سرحد و سه ماه در رفتن به گرمسیر. چون آتش هرچه در مقابل پای این طوایف خونخوار قرار گیرد می‌سوزد...» (Neday Iran, Vol. 1, No. 37, 1 September 1948: 4).

قهوه‌خانه‌آهو سایر مسائل اجتماعی-اقتصادی را نیز مدنظر داشت؛ برای مثال در باب اوضاع بی‌حساب‌و‌کتاب اداره مالیه، کمبود نان در شیراز و غارت گندم و محصولات کشاورزی در شهرهای مختلف استان، وضع نامساعد حمل‌ونقل در شیراز و کرایه بالای اتوبوس‌ها و... مطالب مختلفی در این ستون با لحن طنز و انتقادی به چاپ رسید. در یکی از شماره‌ها در ستون قهوه‌خانه‌آهو در باب قاچاق چنین نگاشته شد:

«[در] روزنامه ندای ایران از سال ۱۳۲۷ [۱۳] فریاد از قاچاق مملکت کردیم و دولت و مأمورین پنبه غفلت بگوش کرده‌اند. اینک که قاچاق مملکت را به نابودی رسانیده خورد خورد می‌خواهند متوجه بشوند قاچاقچی بقول مجله صبا، با وکیل و مدیرکل و مأمورین ارتباط دارد. وگرنه با چه قدرت تمام محصول کشور را به خارج حمل می‌نمایند. در مجلس هم رسماً از قاچاقچی دفاع می‌نمایند...»

و سپس با ذکر اسامی دزدهای خطه جنوب و غارتگری‌های آنان چنین ادامه می‌دهد:

«خاک بر فرق چنین ملت‌ی. از آن طرف در دشتستان و تنگستان مردانی چون آقا حسین چاهکوتاهی و زائر خضرخان و مرحوم علی دلواری بمیرد و از این طرف... دزدان... جای آنان را بگیرند و همین نشانه سقوط و انحطاط است» (Neday Iran, Vol. 2, No 12, 23 January 1949, 4).

۲-۳. رویکرد ندای ایران و ندای ایرانی به مسائل زنان

چنان‌که ذکر شد، روزنامه‌های کشمیری‌زاده دارای مثنی سیاسی-اجتماعی بود. در این راستا یکی از مسائل مورد توجه این روزنامه‌ها زنان و حقوق و خواسته‌های آن‌ها بود. ندای ایران از نخستین

شماره، زنان و امور مربوط به آن‌ها را مدنظر قرار داد و مقالات فراوانی توسط کشمیری‌زاده و دیگر زنان و نیز توسط برخی نویسندگان مرد، در این زمینه در روزنامه به چاپ رسید.

قدسیه سعدی‌نژاد از زنانی بود که چندین مقاله در باب حقوق زنان و موضوعات مربوط به آن‌ها در شماره‌های مختلف ندای ایران و ندای ایرانی به چاپ رساند؛ برای مثال در شماره ۲۶ سال اول در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت زن در جامعه» نوشت:

«زن در ترقی مملکت و توسعه تمدن رل مهمی را بازی کرده و او توانایی این را دارد که فرزندان لایق و کارآمد و شیرانی زورمند و شجاع تحویل جامعه دهد. اوست که در دامان خود... کودکانی پرورش داده که... اجتماع با وجود آن‌ها سرافراز و... فرهنگ و ادب را پیشرفت کامل دهد... بنابراین کارخانه ملک نیز بایستی با عضویت بانوان متمدن و اسباب و آلاتی که در بکارافتادن آن کمک می‌کند، کشور را آباد و نتایج خوبی از آن گرفت و با مساعدت و معاونت زنان فهمیده و دانا مملکت را با بهترین ممالک متمدن برابر ساخت و بدین وسیله کشور را آبادان و جامعه را مفتخر نمود...» (Neday Iran, Vol. 1, No. 26, June 9, 1948: 1 & 4).

کشمیری‌زاده توجه وافری به امور زنان داشت. همواره سعی می‌کرد زنان را از خواب غفلت بیدار و به بطن جامعه وارد کند. وی در مقاله‌ای با عنوان «خواهران عزیز فارسی بیدار شوید» در شماره نخست ندای ایران، زنان فارس را به قیام و تلاش برای کسب حقوق خود دعوت کرد و از آنان خواست تا به اجتماع وارد شوند، انجمن به راه بیندازند، سخنرانی کنند و ضمن دفاع از حقوق ضعفا و بیچارگان، خود را نیز از زیر بار ذلت و حقارت رهایی دهند تا به حقوق خود نائل شوند. وی در این مقاله نوشت:

«خواهران عزیز، فارس را مهد علمش دانند و مدفن سعدی و حافظش خوانند، ولی افسوس که امروز از تمام نقاط ایران عقب‌افتاده‌تر است. بیایید ما هم جنبش کنیم و روح نیاکان مقتدر خود را که روزی بر دنیای متمدن حکم‌فرمایی می‌کردند... شاد سازیم. ما همچون سایر بانوان ایرانی جلساتی تشکیل دهیم، سخنرانی کنیم، برای آسایش دیگران بکوشیم و از حقوق خود دفاع کنیم...» (Neday Iran, Vol. 1, No 1, 4 December 1947: 1).

ندای ایران سرشار از مقالاتی در باب زنان بود؛ مقالاتی حول محور زن، حقوق و جایگاه وی در جامعه و نیز در جوامع گذشته ایران تا امروز، در این روزنامه ارائه شد و همگی سعی در بازگوا کردن محرومیت زنان داشت. از سوی دیگر به تلاش در جهت آگاه کردن آنان از حقوق خود و به‌صحنه آوردن زنان فارس و تغییر و تحول آنان پرداخت و مهم‌تر از آن به‌منظور جلب حمایت مقامات و نمایندگان مجلس و نیز تمامی مردان جامعه، مقالات فراوانی نوشت. نویسندگان این

مقالات علاوه بر کشمیری، دیگر بانوان ادیب فارس از جمله زرین بهبهانی، قدسیه ادیبی سعدی نژاد، سرور اردوبادی، زرین کشاورز، مه‌لقا نورچشم، پروین مارشال پیرغیبی، ظفردخت اردلان^۱ از تهران و... بودند.

علاوه بر بانوان، مردان بسیاری نیز در باب حقوق زنان در ندای ایران قلم زدند. هوشنگ بیضایی، احمد نیکوهمت، رحیم متقی ایروانی، محمدباقر رفیعی، ابوالفضل حاذقی^۲ و محسن شمس مقالات متعددی سلسله‌وار در باب زنان و جایگاه آنان در ایران باستان، اسلام و دیگر ملل باستان و نیز جوامع مختلف نگاشتند.

اگرچه نصرت‌الملوک تقریباً در تمامی شماره‌های ندای ایرانی، ستون اول از صفحه نخست را به خود اختصاص داده بود، به تدریج از حضور دیگر زنان در روزنامه ندای ایرانی کاسته شد. نقش آن‌ها کم‌رنگ‌تر شد و بالطبع مقالات آن‌ها و انعکاس مسائل مربوط به آنان نیز کمتر شد و مقالات سیاسی-اجتماعی جای آن‌ها را گرفت. این امر ناشی فضای سیاسی متشنج عصر مورد نظر (اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰) بود.

۵. بحث

در نشریات ندای ایران و ندای ایرانی، رویکرد سیاسی به وضعیت اجتماعی جامعه به وضوح مشهود است. بررسی رهیافت روزنامه به مسائل سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد این دو روزنامه به‌طور فعال در تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی مشغول بوده‌اند و نویسندگان آن‌ها با استفاده از زبان تند و نکته‌سنج، مشکلات سیاسی و اجتماعی را مطرح می‌کنند.

در زمینه سیاسی، این روزنامه‌ها فعالانه از موجودیت‌های سیاسی و اجتماعی انتقاد کرده‌اند. آن‌ها به بررسی عملکرد مقامات، حکومت و سیاستمداران پرداخته و مسائلی از جمله فساد، ناکارآمدی، تضعیف قدرت مرکزی، ناتوانی دولت در حفظ امنیت عمومی، نبود عدالت اجتماعی و عوامل دیگری که بر جامعه تأثیر می‌گذارند، را بیان کرده و به انتقاد از آن پرداخته‌اند. چنین موضوعات نشان می‌دهد این نشریات به‌طور فعال به بررسی و تحلیل چالش‌های سیاسی پرداخته‌اند.

۱. او نخستین نماینده زن ایران در سازمان ملل متحد در سال ۱۳۴۰ است. ظفردخت اردلان در مسیر اهداف نهضت زنان ایران گام‌های مؤثری برداشت و با شرکت در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی در این جهت تلاش‌های فراوانی کرد (Dojam et al., 2004: 48). او در دهه ۱۳۲۰ در نشریات فارس در عصر پهلوی به‌شدت فعال بود.

۲. ابوالفضل حاذقی، دارای تحصیلات دکتری در رشته حقوق از دانشگاه سوربن، نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۱ از شهرستان جهرم بود (Shajiei, 1965: 376).

روزنامه‌های «ندای ایران» و «ندای ایرانی» از زاویه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مسائل و مشکلات مختلفی را مورد بررسی و انتقاد قرار می‌دادند. از مهم‌ترین مسائلی که در این روزنامه‌ها مورد توجه قرار گرفت، بی‌ثباتی و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی در استان فارس بود. روزنامه‌های مذکور با استناد به واقعیت‌های اجتماعی موجود مانند نابسامانی در مزارع، سرقت و قاچاق، بی‌اعتنایی به قوانین، به انتقاد از رفتارهای ناپسند قشقای‌ها و تبیین مشکلات اجتماعی پرداختند. علاوه‌براین، نویسندگان این روزنامه‌ها تلاش کردند با طنز و انتقاد، مسائل اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار دهند. آن‌ها با به‌تصویرکشیدن مسائلی مانند قاچاق، نابسامانی اداری، جرم و جنایت، و فساد از طریق شخصیت‌های مختلف و حوادث طنزآمیز، خوانندگان را به تفکر وادارند.

علاوه‌براین در ابعاد اجتماعی، توجه به مسائل زنان نیز به‌عنوان یک جزء اساسی از جامعه به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفت. این روزنامه‌ها با تلاش در جهت آگاه‌سازی زنان از حقوق خود و نقش آنان در جامعه، انتقاد از موانع و محدودیت‌هایی که سبب محرومیت آن‌ها می‌شد، دغدغه‌های زنان را به تصویر کشیدند و بر ضرورت تغییر و تحول در جامعه برای بهبود وضعیت زنان تأکید کردند. آن‌ها به مسائلی مانند حقوق زنان، توانمندسازی آنان، مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی، و ارتقای جایگاه زنان در جامعه به‌طور ویژه پرداختند که نشان می‌دهد روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی با تأکید بر اصول اجتماعی، ارزش‌ها و ایده‌هایی مانند برابری جنسیتی و انصاف اجتماعی را ترویج کردند.

در انتها باید گفت این روزنامه از جهت فعالیت‌های مدنی و تلاش برای اصلاح وضع موجود در جامعه و سیاست نیز تلاش‌های ارزنده‌ای داشت. فعالیت‌های مدنی و شرکت مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی از مسائل مورد توجه این روزنامه بود. آن‌ها مردم را ترغیب کردند که به‌عنوان اعضای جامعه، در فرایند تصمیم‌گیری و تحولات اجتماعی فعالیت و به ارتقای وضعیت جامعه کمک کنند. همچنین به تلاش برای اصلاح و بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه پرداختند. آن‌ها با نشر مقالات و انتقاد از موارد ناکارآمد و ناعادلانه سعی در ایجاد تغییرات مثبت داشتند. با توجه به این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت روزنامه‌های «ندای ایران» و «ندای ایرانی» به مسائل سیاسی و اجتماعی با دیدگاهی منطقی و انتقادی نگریسته و سعی در افزایش آگاهی و اصلاح وضعیت جامعه داشته‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

روزنامه‌های ندای ایران و ندای ایرانی دو روزنامه برجسته در دهه بیست و اوایل دهه سی در شهر شیراز، توسط نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده در جهت انتقاد به وضعیت سیاسی-اجتماعی در شیراز منتشر شدند. روزنامه‌های مذکور با نگاهی نقادانه به مسائل روز جامعه فارس، نقش مهمی در انتقال و تحلیل مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی ایران داشتند. این دو روزنامه به‌طور ثابت به تحلیل اتفاقات روزمره در سیاست، اقتصاد و اجتماع می‌پرداختند و انتقاداتی به عملکرد دولتمردان و سیاست‌ها وارد می‌کردند. کشمیری‌زاده که از نویسندگان فعال در این روزنامه‌ها بود، با انتقاد از دولتمردان، وضع موجود را برنتافت و به ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود پرداخت یا به ترغیب سیاستمداران برای اصلاح امور می‌پرداخت. در زمینه اجتماعی نیز این روزنامه‌ها به مسائل مختلفی توجه داشتند، به انتقاد از بی‌ثباتی و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی در ایالت فارس پرداختند و مسببان این نابسامانی‌ها را به‌شدت مورد انتقاد قرار دادند. زنان نیز به‌طور ویژه مورد توجه این نشریات قرار گرفتند. انتقال مشکلات، محدودیت‌ها و دغدغه‌های زنان و تلاش برای بهبود وضعیت آن‌ها یکی از دغدغه‌های مهم نویسندگان این روزنامه‌ها بود. به‌طور کلی نقش این روزنامه‌ها در ارتقای آگاهی عمومی و ارائه دیدگاه‌های تحلیلی درباره مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی بسیار اهمیت داشت. آن‌ها با مقالات و تحلیل‌ها، مردم را با مسائل روز جامعه آشنا و آن‌ها را به تغییر الگوهای فکری اشتباه در زمینه امور سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌کردند. این روزنامه‌ها نه تنها به دنبال انتقاد از وضع موجود بودند، بلکه سعی در پیشرفت، توسعه و اصلاح جامعه ایران از طریق تحلیل و روشن‌گری درباره مسائل سیاسی و اجتماعی داشتند.

۷. تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی می‌کند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق قوانین و مقررات اخلاقی انجام شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش احتمالی تعارض منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت موارد ذکرشده را برعهده می‌گیرد.

References

- Ansari Lari, M. I. (1996). *Monitoring the press in Iranian law*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Dojam, O., Bekai, L., Mahjoub, N., & Mahjoub, N. (2004). *The first women*. Tehran: Elm. (In Persian)
- Emdad, H. (2009). *Literary Associations of Shiraz*. Shiraz: Navid Shiraz. (In Persian)
- Fars National Library and Document Center, retrieval ID 1755-350, 197. (In Persian)
- Hosseini Fasaai, H. (1988). *Farsnameh Naseri*. Corrected and revised by: M. Rastgar Fasai. Vol. 2. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Interview with Abdul Ali Dastghib, dated 2012/5/23. (In Persian)
- Interview with Abdul Karim Vasal, dated 2012/5/31. (In Persian)
- Interview with Abdul Rahim Kashmiri, dated 2012/6/3. (In Persian)
- Interview with Cyrus Rumi, dated 2012/5/22 (In Persian)
- Interview with Nasser Emami, dated 2012/5/23. (In Persian)
- Interview with Zahra Saadat, dated 2012/6/14. (In Persian)
- Modarres Sadeghi, M. (1952). *Shiraz today*. Shiraz: Mehrgan Printing House. (In Persian)
- Neday Iran, Vol. 1, No 1, 4 December 1947: 1. (In Persian)
- Neday Iran, Vol. 1, No. 26, June 9, 1948: 1 and 4. (In Persian)
- Neday Iran, Vol. 1, No. 37, 1 September 1948: 4. (In Persian)
- Neday Iran, Vol. 1, No. 75, 26 June, 1949: 1. (In Persian)
- Neday Iran, Vol. 2, No 12, 23 January 1949, 4. (In Persian)
- Neday Iran*, Vol. 2, No. 51, 23 Desember 1948: 3. (In Persian).
- Neday Irani, Vol. 1, No 1, 23 July, 1949: 1. (In Persian)
- Neday Irani, Vol. 1, No. 2, 31 July, 1949: 1. (In Persian)
- Neday Irani, Vol. 1, No. 24, 4 April, 1950: 1. (In Persian)
- Neday Irani, Vol. 2, No. 6, 2 November, 1950: 1. (In Persian)
- Neday Irani, Vol. 3, No. 81,6 May 1951: 1. (In Persian)

Neday Irani, Vol. 3, No. 86, 13 June, 1951: 1 and 4. (In Persian)

Roustei, M., & Salami, G. (1997). *Press documents 1941-1953*. Vol. 4. Publications of the National Organization of Iranian Documents. (In Persian)

Rumi, S. (2022). *Women journalists of Shiraz*. Shiraz: Navid Shiraz. (In Persian)

Shajiei, Z. (1965). *Representatives of the National Council in twenty-one legislative periods*. Tehran: Publications of the Institute of Social Studies and Research. (In Persian)